

دانش آموزان خراسانی پرچم ایران را در ایتالیا بالا بردند

هر گوشه از دنیا را که نگاه کنی، نام و نشانی از افتخار آفرینی یک ایرانی به چشم می خورد و ما هم اینجا سرمان را بالا می گیریم و به ایرانی بودنمان می بالیم. امروز می خواهیم چشمتان را به افتخار آفرینی دانش آموزان خراسانی روشن کنیم: دانش آموزان نابغه ای که تلاش کردند و پرچم ایران را در کشور ایتالیا بالا بردند. ما جزا از این قرار است که پانزدهمین المیاد جهانی علوم زمین (IESO ۲۰۲۲) به میزبانی ایتالیا به صورت مجازی برگزار شد و در این المیاد از ۳۸ کشور جهان شرکت کردند. از ایران چهار دانش آموز خراسانی به نام های «یاسین التماسی»، «محمد سینا آبابایی»، «سید محمد مهدی موسوی کلات» و «سمیرا احمد نژاد شرامین» شرکت کردند و با رقایای خود مسابقه دادند. مسابقات شش روزه یی در پی برگزار شد و دانش آموزان خراسانی

مقام سوم را کسب کردند و مدال برنز را برای کشورمان به بار مفان آوردند. «یاسین التماسی»، «محمد سینا آبابایی»، «سید محمد مهدی موسوی کلات»، «سمیرا احمد نژاد شرامین» در بخش NTFI به صورت گروهی و «سمیرا احمد نژاد شرامین» در بخش DMT مدال برنز را دریافت کردند.



چون مردم پای کارند، گره ها باز می شود

قرارگاه جهادی «مطهر» در حاشیه شهر مشهد راه و رسم مستقل شدن را به خانواده های نیازمند آموزش می دهد



روزنامه نگار، تاج محمد داود

گزارش روز

از قدیم گفته اند «اگر به یک نفر یک ماهی بدهید، او برای یک روز سیر می شود، اما اگر به او ماهی گیری یاد بدهید، برای یک عمر سیر خواهد شد.» مصداق و نمونه حی و حاضر این ضرب المثل قرارگاه جهادی مطهر در حاشیه شهر مشهد است. آن ها بیش از دو سال است که به سوی مستقل شدن خانواده های نیازمند محله شان گام برمی دارند و اعتقادشان این است که «تأمینی توانیم نیازمندان را خود کفای کنیم.» این جمله کوتاه را از زبان محمود رضایی، مسئول قرارگاه جهادی مطهر، شنیدیم. این جوان دهه شصتی تحصیل کرده رشته عمران برای آبادانی حاشیه شهر مشهد عزمش را جزم کرده است و در ادامه نگاهی می کنیم به فعالیت های او و مجموعه اش.

قرارگاه جهادی را راه اندازی کردیم که برای جوانان محله اشتغال ایجاد کنیم.

● گام هایی برای مستقل شدن

ایجاد فروشگاه اولین کار عملیاتی این گروه جهادی بود. او ادامه می دهد: فروشگاه ی به نام «مطهر» در محله راه اندازی کردیم. در این فروشگاه ما یحیاجات مورد نیاز خانواده ها را بدون واسطه و با ۱۰ درصد تخفیف زیر قیمت بازار به درب منازل می رساندیم. در کنار سایر محصولات فروشگاه محصولات تولیدی بانوان محله مثل ترشی و... را هم اضافه کردیم. به نوعی خود بانوان بازار یاب محصولاتشان شده اند. قرارگاه جهش تولید، دیگر اقدام گروه جهادی مطهر است. محمود رضایی در این باره توضیح می دهد: در محله یک زمین کشاورزی وجود دارد که توسط خود اهالی در آن سبزی کاشته می شود. بانوان محله سبزی های تازه ای از این مزارع می خردند و با آموزش هایی که دیده اند آن ها را کاملاً بهداشتی بسته بندی می کنند. سپس برای عرضه در فهرست محصولات فروشگاه قرار می دهند.

اشتغال دیگرشان هم کارگاه تولید موزاییک است که هم تولید و فروش خوبی داشته و هم توانسته است رضایت اهالی محله را جلب کند. به گفته مسئول قرارگاه مطهر در همه مجموعه به صورت مستقیم و غیرمستقیم حدود چهل نفر مشغول به کار هستند. جمعی از بانوان هم با حمایت قرارگاه جهادی خود کفا شده اند. رضایی ادامه می دهد: وقتی حدود دوش ماه نیازمندان خانه را فراهم کنیم، افراد می توانند بدون دغدغه در کلاس های آموزشی شرکت کنند و به صورت حرفه ای کاری را یاد بگیرند و خودشان کسب درآمد کنند. چند خانم را معرفی کرده ایم و در منزل کار

● اگر مشکل اقتصاد حل شود از زمان تأسیس مسجد موسی بن جعفر (ع) امیرآباد تا الان حدود چهل سال می گذرد. هیئت امنای مسجد، مدیر و اعضای کانون فرهنگی صحیفه و جمعی از جوانان پای کار آمده اند و برنامه های متنوعی برای نونهالان و نوجوانان برگزار می کنند. محمود رضایی که خودش در این محله کم بر خوردار بزرگ شده و سختی های زیادی چشیده است برای آبادانی محله هر کاری از دستش برآید، با شوق و اشتیاق انجام می دهد. سال ۹۹، درست روزهایی که ویروس منحوس کرونا بر کشورمان سایه افکنده بود و مردم با مشکلات اقتصادی و معیشتی زیادی روبه رو شده بودند استارت تشکیل قرارگاه جهادی را زد؛ قرارگاهی که قرار بود بر مبنای کار جهادی بر اصول دیگری هم استوار باشد. رضایی در این باره توضیح می دهد: یکی از مسائلی که مردم حاشیه شهر با آن دست و پنجه نرم می کنند مشکلات اقتصادی است. اگر مردم حاشیه شهر از نظر اقتصادی تأمین باشند، در حوزه های دیگر جامعه هم به خوبی رشد می کنند. اگر مشکل اقتصادی نباشد، دانش آموزان به جای ترک تحصیل و تأمین مخارج زندگی ادامه تحصیل می دهند. ما هم با همین رویکرد وارد حوزه اقتصادی شدیم. قبل از سال ۹۹ خبر به مسجد کمک های مداومی به افراد و به خصوص خانم های بی سرپرست و بدسرپرست می کرد اما پس از آن نگاه تغییر کرد. رضایی می گوید: وضعیت بعضی از بانوان نیازمند محله را که به صورت مستمر کمک خیران را دریافت می کردند، بررسی کردیم. تعداد زیادی از آن ها با حمایت و آموزش می توانستند خود کفا شوند و دیگر به خیران هم وابسته نبودند. در همین راستا

می کنند یا خیاطی یاد گرفته اند. این ها از مجموعه ما مستقل شده اند. افتخار ما این است که تعداد افراد تحت پوشش خود را کمتر و مستقل کنیم. اما همه کارهایشان به همین جا ختم نمی شود. گام مهم و بلندتری هم برداشته اند، آن هم در حوزه مسکن جوانان محله. رضایی می گوید: اجاره ها در منطقه ما و حاشیه شهر چندان اختلافی با بالای شهر ندارد. با این تفاوت که جوان ما حقوق و درآمد زیادی ندارد و محله اش هم همین جاست و جای دیگری نمی تواند برود. طرح دادیم و شرکتی ثبت کردیم که در محله خودمان در شهرک رضویه زمینی را اقساطی بخریم و اهالی وام چهارصد میلیون تومانی دولت را بگیرند و بتوانند صاحب خانه شوند. مهندس عمران، سرپرست کارگاه، مصالح فروش و خلاصه همه عوامل را هم در محله داریم. با سود کمتر می سازیم تا جوانان خانه دار شوند.

● پیش به سوی محله آباد

پیش بینی آن ها ساخت چهارصد خانه است. تا اینجا مجوز سازمان مسکن و شهرسازی را هم گرفته اند و قرار است بروند سراغ بانک مسکن واو سخت عقیده دارد

که «چون مردم پای کارند، گره ها هم باز می شود.» در عین حال که از میزان اشتغال زایی در محله خودشان رضایت ندارند، سطح کمک هایشان را به منطقه خود محدود نکرده اند. رضایی می افزاید: بخشی از درآمد قرارگاه حقوق کارکنان است و بقیه را هم برای پنج مسجد محلات دیگر که کانون فرهنگی ندارند، هزینه می کنیم. شبیه آنچه در کانون صحیفه داریم کلاس هایی ویژه هفت تا دوازده ساله ها برگزار می کنیم. یکی از مجموعه ها به نام صراط ۱۵۰ تا دیوست نفر دانش آموز دختر دارد که پنجشنبه هر هفته در کلاس های دینی شرکت می کنند. هم انگیزه جوانی اش را خرج هدف های قرارگاه کرده، هم به شدت دل سوز بچه های محله است. انتهای صحبت هایش را وصل می کند به گلایه هایش: از مسئولان می خواهیم همچون دهه ۶۰ که به جوانان فرصت دادند - طوری که ۲۰ و ۲۵ ساله ها به جنگ می رفتند - اکنون نیز حامی جوانان باشند. اکنون جوانان با توان خودشان پیش می روند و اگر توان دولتی، سازمانی و تشکیلاتی هم در کنار آنان باشد، هیچ مشکلی حل نشدنی باقی نمی ماند.



روایت کوتاه از مادری که مشکل مالی داشت اما مبلغی را به خیریه بازگرداند

صداقت در اوج نداری

در خانه آرامش خاصی حکم فرما بود و پنج نفر اعضای خانواده با هم در آن زندگی می کردند.

مادر خانواده از شغل پدر آسیه برایمان جمع کردیم. به مادر آسیه تماس گرفتم و گفتم از همان لحظه پیگیر بستری و درمان آسیه باشم؛ چون هزینه درمان آسیه را خیران تقبل کرده اند. آسیه فوراً عمل شد و با مجموعه محک هم رابزنی کردیم تا تحت پوشش این مجموعه قرار گیرد. مادر آسیه بعد از عمل تماس گرفت و تشکر و خیران را بسیار دعا کرد. بعد نکته ای را به زبان آورد که این روزها کمتر به گوشمان می خورد. گفت: برای تسویه حساب بیمارستان به سراغ مددکاری بیمارستان رفته ام و آن ها مبلغ ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از هزینه را تخفیف داده اند. لطفاً شماره کارتی بدهید که این مبلغ



فردین سوزازاد مدیر خیریه رفیق

در مدتی که با کمک خیران گریه از مشکلات نیازمندان شهر امام مهربانی ها باز می کنیم. تجربه های خوب و شیرینی رقم خورده که لذت کار را برایمان دوچندان کرده است. چندی قبل مادری را دیدیم که از بیماری دختر نه ساله اش، آسیه، برایمان حرف می زد. مادر همه هم و غمش درمان دخترش بود. مادر است دیگر.

از زمانی که فهمیده بود جگر گوشه اش به سرطان مبتلا شده است، خواب به چشمش نیامده بود. باید هرطور شده، ۱۵ میلیون تومان برای درمان آسیه جور می کرد تا بیماری پیشرفت نکند.

همان روز ماجرای بیماری آسیه را برای خانواده ام تعریف کردم. خواهر زاده ام وقتی ماجرا را شنید، اشک از چشمانش سرازیر شد. دلش می خواست برای چند لحظه هم که شده، خنده را بر لب آسیه ببیند. روز بعد، برای آسیه عروسک بزرگی خریدیم و راهی منزلشان در جاده سیمان شدیم. وقتی رسیدیم، خانه ای کوچک و نقلی دیدیم که مساحتش به زور به پنجاه متر می رسید.

روایت

گاهی از قطار زمان پیاده شویم

شب های چله گم شده، نمونه ای آشنا از شادی های دیرین ما



روزنامه نگار، تاج محمد داود

هرسال در میان رده بندی های جهانی مختلفی که منتشر می شود، یکی از فهرست های مورد توجه، گزارشی است که با عنوان «شادترین کشورهای جهان» از آن نام می برند، فهرستی که معمولاً در صدر آن نام کشورهای شمال اروپا و به ویژه حوزه اسکاندیناوی دیده می شود. جوامعی همچون دانمارک، فنلاند و... بر اساس گزارشی با عنوان «world happiness report»، که توسط شبکه راه حل های توسعه پایدار سازمان ملل متحد به صورت سالانه منتشر می شود در صدر این فهرست قرار دارند.

● شاد یا افسرده؟

اما بد نیست قبل از هر چیز به یک سو برداشت رایج در این زمینه اشاره کنیم و آن تلقی نه چندان دقیقی است که از این مفهوم داریم، زیرا شاید واژه «شادی»، معادل مناسبی برای این عبارت نباشد؛ بلکه ناگاهی به معیارهای مورد بررسی در این زمینه، به نظر می رسد «خشنودی و رضایت از زندگی»، تعبیر بهتری برای موضوع این بررسی باشد؛ و به ویژه آنکه شاخص هایی همچون سرانه تولید ناخالص داخلی، حمایت اجتماعی، امید به زندگی و... در میان معیارهای مورد توجه در این زمینه دیده می شود.

جالب توجه است که از سوی دیگر جوامع حائز رتبه های نخست در این زمینه، به دلیل شرایط آب و هوایی سرد و سخت آن منطقه جغرافیایی، بعضاً به عنوان مردمانی سرد و حتی افسرده شناخته می شوند که سخت با دیگران ارتباط برقرار می کنند. هرچند که این برداشت نیز افراطی و با واقعیت متفاوت است، اما این سؤال را به ذهن متبادر می کند که این کشورها در کدام سوی پل شادی یا به عبارتی خشنودی از زندگی ایستاده اند و چرا؟

● چرا کشورهای همسایه؟

اینکه هفت کشور نخست در رده بندی مذکور عموماً از اروپای شمالی هستند، یک نکته مهم در دل خود دارد و آن وجود یک عادت فرهنگی مشترک است، چنان که در سایر مناطق جهان نیز کشورهای همسایه که در یک محدوده جغرافیایی واقع شده اند و ریشه های تاریخی مشترکی دارند، دارای مشابهت هایی در فرهنگ و سنن خود هستند. بی شک رفاه اقتصادی و نبود اختلاف طبقاتی چشمگیر در اجتماع از عوامل اثرگذار در این زمینه است اما یکی از مهم ترین دلایل در این خصوص، یک ویژگی فرهنگی شاخص است که تا حدود زیادی در کشورهای حوزه اسکاندیناوی مشترک است و به عنوان سبک زندگی آن ها شناخته می شود.

آن ها که تجربه زندگی در این جوامع را دارند، این سبک زندگی را در توجه به چیزهای بسیار ساده ای مانند هم نشینی با خانواده، دورهمی های دوستانه یا لذت خواندن کتاب همراه یک فنجان نوشیدنی گرم در سرمای زمستان می دانند؛ آنچه به عنوان مثال در فرهنگ مردم کشورهایی همچون نروژ و دانمارک با عنوان «هوگه» یا «هوگا»، شناخته می شود. اما این مفهوم به چه معناست؟

● کمی آهسته تر

آنچه در «هوگه» به عنوان مشخصه این سبک زندگی اهمیت دارد، کاستن از سرعت زندگی برای دستیابی به آرامش است و این مسئله نه الزاماً از طریق دسترسی به امکانات خاص، بلکه با برداختن به دل خوشی های ساده میسر می شود؛ اینکه یک شب سرد زمستانی را با گفت و گو و معاشرت با خانواده یا سرگرمی های خودمانی در خانه بگذرانی، یا آنکه در یک عصر پاییزی یا زمستانی کمی برای خودت وقت بگذاری و دغدغه های روزمره را با ورق زدن صفحات کتاب مورد علاقه ات پشت سر بگذاری. هرچند به نظر بسیار ساده می آید ولی همین سادگی مستلزم آن است که از عادت های همیشگی مانند عجله داشتن، استفاده مداوم از گوشی تلفن همراه و گشتن بیپرده در فضای مجازی و امثال آن بگذری و کمی برای لذت بردن از لحظات زندگی به خودت وقت بدهی. جالب است که با وجود پیشرفت فناوری، استفاده از شمع در این جوامع شاید بیش از هر جای دیگر دنیا رواج داشته باشد؛ زیرا یکی از عناصر شاخص در سبک زندگی «هوگه» به شمار می رود و نمادی برای فاصله گرفتن از زندگی ماشینی، بازگشت به زندگی طبیعی و ریتم آرام زندگی است. این سبک زیستن در کنار ارزش های اجتماعی مبتنی بر برابری و احترام، یکی از عوامل اصلی افزایش کیفیت زندگی در چنین جوامعی است.

● سادگی و صمیمیت های گم شده در دورهمی ها

وقتی صحبت از چنین مسکنی می شود، می توان چند قدم به عقب بازگشت و دید که چندان هم برای ما غریبه نیست. دور نیست آن زمان که گرمای نشستن دور گرسی و گپ و گفت های طولانی شب های زمستان یا روسمی همچون دورهمی های شب چله و امثال آن همین نقش را در فرهنگ ما داشت و هنوز هم آن را از دوست داشتنی ترین خاطرات گذشته هایمان؛ چیزی که با دورهمی های زندگی ماشینی امروز گم، یا در میان رنگ و لعاب تجملات زاندم رنگ شده است. گذشته از اینکه دورهمی های خانوادگی مثل شب چله در میانمان گرمای گذشته را ندارد، دچار آسیب هایی چون تجمل گرایی، مصرف گرایی و هزینه های گزاف برای نمایش سفره های رنگارنگ شده ایم که دغدغه های فراهم سازی آن برای هر خانواده بر اصل شادی نهفته در دورهم جمع شدن ها سایه انداخته است.

چه آن را «هوگه»، در فرهنگ شمال اروپا بنامیم، چه سادگی و صمیمیت خانه پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها بخوانیمش، آنچه با وجود تمام ناهمواری ها، دغدغه ها و دشواری های زندگی امروز می تواند کمی آرامش را به ما بازگرداند، این است که گاهی اوقات از قطار زمان پیاده و با دل خوشی هایی که در زندگی داریم همنشین شویم؛ ساده و بی تکلف.

